

سورة التين



دانشگاه سمنان  
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

## بررسی جوع و قوت در آثار مولانا

استاد راهنما:

دکتر ناصر رحیمی

استاد مشاور:

دکتر سید حسن طباطبائی

پژوهشگر:

معصومه کمالیان

مهر 1391

تعهد نامه

اینجانب معصومه کمالیان دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان، دانشکده علوم انسانی گروه زبان و ادبیات فارسی تعهد می‌نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از هیچ منبعی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید محترم بوده است.

معصومه کمالیان 91/7/17

کلیه ی حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات ، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه سمنان می‌باشد.

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم که جاودانگی عشقشان، عشق را در وجودم ازلی  
کرد و همواره جرعه نوش جام تعلیم و تربیت، فضیلت و انسانیت  
آنان هستم و پیوسته چراغ وجودشان روشنگر راه من در سختیها و  
مشکلات است.

نخستین سپاس به محضر دوست که هر چه هست از اوست.

این پایان نامه را مدیون کسانی هستم که در این راه دشوار صبورانه همراهی ام کردند ، بیش و پیش از همه از استاد گران سنگ و فرهیخته ام جناب آقای دکتر ناصر رحیمی که شبم را چراغ بخشید و راهم را نشان سپاسگزارم که با راهنمایی بی دریغ شان مرا به دریای عظیم علم و ادب رهنمون شدند و همواره در تمام مراحل یار و یاورم بودند، همچنین از جناب آقای دکتر طباطبایی که سایه گستر در تمام مراحل کار مرا مرهون الطاف همیشگی خود قرار دادند سپاسگزارم و با سپاس بیکران از جناب آقای دکتر محمدی و دکتر شاه سنی که با ژرف نگری و دقت نظر این پایان نامه را داوری کردند و مرا مورد لطف و عنایت خویش قرار دادند در پایان از تمامی دوستانی که تا پایان راه رفیق شفیق بودند سپاسگزارم مهربانی شان مستدام و دلهایشان پر از طراوت غزل باد.

## چکیده

جوع و قوت از مباحثی است که در دو حوزه ادبیات تعلیمی و ادبیات عرفانی به آن توجه جدی شده است. مولانا از شاعران عارفی است که به این موضوع اندیشیده و از زوایای گوناگون به آن نگریسته و به بیان ارتباط آن با پاره‌ای از مسائل عرفانی و اخلاقی پرداخته است. پژوهش حاضر جوع و قوت را در آثار نظم و نثر مولانا کاویده و سعی کرده است سابقه آن را در تصوف پیش از مولانا تا حد امکان و به اجمال و اختصار نشان دهد؛ چرا که مولانا از میراث عرفانی عظیم پیش از خود بسیار بهره برده است. فصل اول به بیان مسأله و اهمیت موضوع و سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق می‌پردازد. فصل دوم مروری است بر جوع و قوت در تصوف پیش از مولانا، فصل سوم سعی دارد خط سیری از زندگی مولانا ترسیم کند. فصل چهارم جوع و قوت را با ارائه طبقه‌بندی‌های لازم و آوردن شواهد کافی در تمام آثار مولانا بررسی می‌کند و سرانجام فصل پنجم نتایج این جستار را به کوتاهی هرچه تمام تر باز می‌نماید.

کلید واژه: جوع، قوت، مولانا، مثنوی، غزلیات شمس

## فهرست مطالب

1	فصل اول کلیات
1	مقدمه
2	1-1) بیان مسأله
3	2-1) اهداف تحقیق
4	3-1) سؤال های تحقیق
4	4-1) فرضیه های تحقیق
5	5-1) استفاده کنندگان از نتایج تحقیق
5	6-1) نوع تحقیق
5	7-1) سوابق مربوط
6	فصل دوم مبانی نظری تحقیق
7	1-2) جوع در نظر صوفیان
8	1-1-2) اهمیت و ضرورت جوع در سیر و سلوک عرفانی
11	2-1-2) سرگرسنگی و نظر صوفیان در این باره
12	3-1-2) فواید گرسنگی
17	4-1-2) روزه
18	1-4-1-2) فواید روزه
19	5-1-2) مذمت سیری و شکم پرستی



24	6-1-2) برتری گرسنگی بر سیری
27	7-1-2) علاج پرخوری در اندیشه‌ی صوفیان
29	8-1-2) حدّ جوع
30	2-2) قوت
31	1-2-2) قوت معنوی
32	2-2-2) خوردن غذا از بهشت
33	3-2-2) طعام خوش عارفان
33	4-2-2) اکل عارفان
34	5-2-2) خوردن از روی عادت
36	6-2-2) آداب طعام خوردن صوفیان
38	7-2-2) تأملات صوفیان درباره‌ی لقمه‌ی حلال و حرام
41	فصل سوم زندگانی مولانا
42	1-3) زندگی و دوران حیات
42	1-1-3) اسم و القاب
42	2-1-3) مولد و نسب
43	3-1-3) مولانا بعد از مهاجرت بهاء‌ولد از بلخ
45	4-1-3) ملاقات مولانا با عطار
46	5-1-3) مولانا در بغداد

47	6-1-3) مولانا در لارنده
47	7-1-3) مولانا در قونیه
50	8-1-3) مولانا بعد از فوت بهاء‌ولد
50	9-1-3) بازگشت مولانا به روم و پایان کار برهان الدین محقق
53	10-1-3) ملاقات مولانا با شمس تبریزی
54	11-1-3) مولانا و صلاح الدین زرکوب
56	12-1-3) مولانا و حسام الدین
56	13-1-3) وفات مولانا
57	2-3) صورت و سیرت مولانا
58	3-3) آثار
58	1-3-3) نظم
58	2-3-3) نثر
66	فصل چهارم جوع و قوت در آثار مولانا
67	1-4) تعریف جوع (اصطلاحی و لغوی)
67	1-1-4) جوع در نظر صوفیان
70	2-1-4) جوع در اندیشه‌ی مولانا
70	3-1-4) کارکرد و فواید جوع از نظر مولانا
71	1-3-1-4) جوع رزق خاصان حق است

72	2-3-1-4 در گرسنگی طعام فراوان است
72	3-3-1-4 جوع از هر دارویی درمانگر تر است
73	4-3-1-4 لذت طعام به گرسنگی است
75	5-3-1-4 شکم خالی زندان دیو است
75	6-3-1-4 گرسنگی، حکمت و معرفت
77	7-1-3-4 جوع و تعالی روحی
78	8-3-1-4 جوع عارفانه و شکوفایی باطن
78	9-3-1-4 گرسنگی و روزی آسمانی
79	10-3-1-4 تحمل رنج گرسنگی از رنج امتلای شکم آسان تر است
79	4-1-4 تجلی روزه در کلام مولانا
87	2-4 قوت
87	1-2-4 خوراک و غذا
90	2-2-4 انواع غذاهای معنوی
91	1-2-2-4 نور
95	2-2-2-4 گرسنگی
97	3-2-2-4 ایمان
100	4-2-2-4 عشق
101	5-2-2-4 دیدار حق و اولیاء

103	6-2-2-4) وحی و حکمت
104	7-2-2-4) غذای فرشتگان
105	3-2-4) مقایسه‌ی غذای جسمانی و روحانی
107	4-2-4) شراب
109	1-4-2-4) تفاوت شراب الهی و نفسانی
113	2-4-2-4) شرب مدام چلبی و کیفیت آن
115	3-4) تبیین رابطه‌ی جسم و روح و ارتباط آن با جوع و قوت
120	4-4) طب و درمان بیماری‌های مرتبط با جوع و قوت
124	5-4) خیال بندی خوراکی‌ها در اشعار مولانا
133	6-4) حلیّت و حرمت لقمه
139	7-4) شگردهای بلاغی مولانا در رابطه با جوع و قوت
147	8-4) دیگر تأملات مولانا در باره‌ی جوع و قوت
147	1-8-4) رابطه سماع و جوع و قوت
148	2-8-4) رابطه خواب و خور و کمال جان
149	3-8-4) رابطه جوع و قوت با اخلاق
151	فصل پنجم نتیجه‌گیری
154	فهرست منابع

# فصل اول

## کلیات تحقیق

در آثار عرفانی و اخلاقی مبحث جوع عارفانه و مذمت سیری و پرخوری تا حد زیادی مطرح شده و عالمان و عارفان سخنان زیادی در این باره گفته‌اند.

مولانا یکی از شاعران و عارفانی است که در باب جوع و قوت دیدگاههای گوناگونی را عرضه داشته است که در نوع خود شایسته تأمل است. مولانا خود اهل ریاضت کشیدن بوده و مریدان خود را به گرسنگی کشیدن تشویق می‌کرده است. اشارت‌های فراوان مولانا به این موضوع، دستمایه‌ای گردید تا در این رساله جوع و قوت در آثار وی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در این تحقیق سعی بر آن است که در بخش‌های جداگانه ابتدا به شرح و بررسی مقوله‌ی جوع و قوت و سپس نکات ذکر شده در آثار مولانا جستجو کند.

لازم به ذکر است که در ارجاع ابیات مثنوی، ابتدا شماره‌ی دفتر، و بعد شماره‌ی بیت و برای سهولت دستیابی به ابیات کلیات شمس ابتدا شماره‌ی جلد و بعد شماره‌ی بیت ذکر شده است.

## 1-1 بیان مسأله

هر موجود زنده‌ای که روی زمین زندگی می‌کند، برای اینکه بتواند به حیات خود ادامه دهد، از ماده که طبیعت اطراف اوست، کسب نیرو می‌کند و این کار از راه تنفس و خوردن و نوشیدن صورت می‌گیرد. این امر به قدری معمول و رایج و تکراری است که بدیهی به نظر می‌رسد و ظاهراً نیازی به کندوکاو و چون و چرا ندارد در رابطه با جانوران و گیاهان البته چنین است؛ این موجودات به هدایت غریزه میلیون‌ها سال است که در طبیعت و با طبیعت زندگی می‌کنند و به راه خود می‌روند و از این بابت هم مشکلی پیش نیامده است، لیکن برخورد انسان با مسأله طبیعی خوردن و نوشیدن برخلاف سایر جانوران غریزی و ساده و معمولی نیست و انسان هوشمند و متفکر و لذت جو در این زمینه نیز رفتارش از حد غریزه فراتر رفته و پیچیده تر و عمیق تر شده است، انسان نخستین خام خوار با کشف آتش خام

خواری را به تدریج کنار نهاد و به یکی دو نوع خوردنی و نوشیدنی محدود اکتفا نکرد و از همه نوع گوشت و گیاه استفاده کرد و همه چیز خوار شد. آنگاه از این هم جلوتر رفت و خلایقیت خود را به کار بست و انواع مواد خوراکی و نوشیدنی را با هم ترکیب کرد و غذاها و نوشیدنی‌های بی شماری پدید آورد و خوردن و نوشیدن را که نزد حیوانات تنها برای رفع گرسنگی و تشنگی و کسب نیرو بود، به تفریح و سرگرمی و لذت تبدیل کرد، و با تزیین غذا و سفره حس بینایی را نیز با آن درگیر ساخت و به این ترتیب در کنار هدف اصلی، جنبه‌های دیگری هم برای آن به وجود آورد.

با پیشرفت تمدن‌ها خورد و خوراک نیز آداب و ترتیبی پیدا کرد و در نزد اقوام گوناگون به شکل فرهنگ و خرده فرهنگ درآمد و از عوامل امتیاز ملتی از ملت دیگر شد.

این موضوع در زندگی انسان و سعادت و شقاوت او به قدری اهمیت پیدا کرد که در کتاب‌های آسمانی هم آیاتی به آن اختصاص یافته است و مسأله حلال و حرام و مکروه و مباح پیش آمد و حکمت خداوندی روزه را فریضه کرد. پاره ای از کلمات حکمت آمیز و دستورهای اخلاقی حکیمان و عارفان نیز که تعالی روحی بشر را وجهه همت خود ساخته‌اند، با این بحث پیوند خورد.

لقمه حلال، کم خوردن و حتی گرسنگی کشیدن به عنوان یکی از ریاضت‌های مهم و کارساز در ادبیات عرفانی جایگاه والایی در تربیت سالکان طریق دارد. شاعران عارف از غذاهای معنوی و قوت روح سخن گفته‌اند که البته حرف‌های آنان مبتنی بر میراث قرن‌های پیش‌تر است.

## 2-1) اهداف تحقیق (اصلی و فرعی)

بررسی جوع و قوت در زندگی انسان و تاثیر آن در سعادت و شقاوت او از نظر مولانا یکی از اهداف مهم این تحقیق به شمار می‌آید. پاره ای از کلمات حکمت آمیز و دستورهای اخلاقی حکیمان و عارفان نیز که تعالی روحی بشر را وجهه همت خود ساخته‌اند با این بحث

پیوند خورد. در ادبیات تعلیمی و عرفانی ما نیز شاعرانی چون سنائی، عطار، مولانا و سعدی و برخی دیگر در این باب اندیشه‌هایی دارند. لقمه حلال، کم خوردن و حتی گرسنگی کشیدن به عنوان یکی از ریاضت‌های مهم و کارساز در ادبیات عرفانی جایگاه والایی در تربیت سالکان طریق دارد. در این پژوهش می‌خواهیم به کاوش در این بخش از ذهن و زبان مولانا بپردازیم و همچنین به رابطه بین جوع و قوت با حکمت و اخلاق و تعالی روحی بشر از دیدگاه مولانا بپردازیم.

### 3-1) سوالات تحقیق

1. جوع و قوت چه رابطه‌ای با اخلاق و حکمت دارد؟
2. از نظر مولانا جوع و قوت چه تاثیری در تعالی یا تنزل روحی و معنوی انسان دارد؟
3. خوردن و نوشیدن و گرسنگی و تشنگی به طور کلی چگونه در زبان مولانا بازتاب یافته و آیا این امر در سبک سخن او تاثیری داشته است؟
4. مولانا در این مساله (آنچه در شماره 3 آمده) تا چه حد از گذشتگان میراث برده و اثر پذیرفته است؟
5. عقیده مولانا درباره غذاهای جسمانی و روحانی چیست؟

### 4-1) فرضیه‌های اصلی و فرعی

1. مولوی میان جوع و قوت و حکمت و اخلاق و تعالی روح به رابطه‌ای تنگاتنگ معتقد است و نوآموزان طریقت را به گرسنگی و روزه فرا می‌خواند.
2. مساله جوع و قوت در آثار مولانا بازتاب گسترده‌ای دارد و می‌تواند موضوع دلکشی برای یک تحقیق جدی باشد.



3. مولوی در این مبحث هم مانند بسیاری مباحث دیگر از آثار پیش از خود تأثیر پذیرفته است چرا که این مساله در کتابهای صوفیانه‌ی پیش از مولانا هم مطرح شده است. شاید در این میان سهم پدر مولانا بهاء‌ولد از همگان بیشتر باشد.

4. این امر از زندگانی مولانا نیز پیداست چرا که سرگذشت نگاران او گفته‌اند که وی اهل ریاضت کردن خود از راه گرسنگی کشیدن بوده است و به گمان ما مولوی در این مبحث از آثار پیش از خود تأثیر پذیرفته است.

5. غذاهای جسمانی را مانع باز شدن چشم دل می‌دانسته و از خوردن آن تا حد ممکن پرهیز می‌کرده و بیشتر تمایل به معارف داشته که آن را غذای جان می‌دانست.

### **5-1) استفاده کنندگان از نتایج تحقیق**

دانشجویان و پژوهندگان در حوزه‌ی عرفان و زبان و ادبیات فارسی

### **6-1) نوع تحقیق**

توصیفی و تحلیلی

### **7-1) سوابق مربوط**

تا کنون تحقیق مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است.

## فصل دوم

### مبانی نظری تحقیق

## 1-2) جوع در نظر صوفیان

واژه‌ی جوع میان صوفیان مقدم و متون اولیه تصوف به معنای گرسنگی اختیاری به کار رفت و اهمیت سلوکی یافت. در همین زمینه در کتب عرفانی احادیث بسیاری نقل شده که در آنها جوع معنای مثبتی دارد و به جای این توصیه که از جوع به خدا پناه ببرید، سفارش شده است که برای رسیدن به خدا، به جوع پناه ببرید، چنانکه از پیامبر اکرم نقل کرده اند که پیوسته با گرسنگی در بهشت را بکوید. (مکی، ج 2، 1995: 332)

جوع در اصطلاح صوفیه به معنای آن گرسنگی و جوعی نیست که ناشی از ستم اجتماعی و عدم توزیع عادلانه ثروت باشد، بلکه جوع به معنی ترک بسیارخواری و انباشتن شکم از غذاهای الوان و طلبدن غذاهای روحانی است و این گرسنگی به اختیار سالک حاصل می‌شود و با آن گرسنگی اجباری که منبعث از مناسبات ظالمانه و بیمارگونه اجتماعی است خیلی تفاوت دارد. شکی نیست که همه انبیاء و اولیاء به گرسنگی اختیاری توصیه کرده و خود نیز بر آن مواظبت داشتند از این رو گفته‌اند الجوع طعام الله و طعام الاولیاء. زیرا پرده‌ی غفلت به واسطه جوع اختیاری از دل برطرف می‌شود. سرمایه اکثر ریاضت‌ها، گرسنگی و جوعی است که سالک به اختیار خود بدان پایبند می‌گردد و باعث نورانی شدن باطن می‌شود.

صوفیه گرسنگی را سیره‌ی انبیا دانسته‌اند که از نظر شرع و عقل نیکو و در همه ملل ستوده است. هجویری در کشف المحجوب آورده است «گرسنگی را شرفی بزرگ است و به نزدیک امم و ملل ستوده است، از آنچه از روی ظاهر گرسنه را خاطر تیزتر بود و قریحه مهذب‌تر و تن درست‌تر آن را که شرهی بیشتر نباشد که خود را بر ریاضت مهیا گردانیده باشد؛ جایع را تن خاضع بود و دل خاشع؛ از آنچه قوت نفسانی بدان ناچیز گردد.» (هجویری، 1387: 475)

## 2-1-1) اهمیت و ضرورت جوع در سیر و سلوک عرفانی

صوفیان جوع را جزو ارکان یا آداب مجاهدت دانسته اند. قلت طعام و تحمل گرسنگی - های طولانی در حقیقت برنامه ای برای تسلط بر وساوس شیطانی و هواجس نفسانی و در نهایت تسلط بر جسم و عروج به مقامات بالای طریقت محسوب می‌شد. آنها در این عمل خود از یک سو بر انجام افراطی یک فریضه دینی پافشاری می‌کردند که روزه بود و فضایل بسیاری در شریعت ذکر شده بود، و از سوی دیگر نوعی الگوگیری از وضعیت مومنان را در بهشت در نظر داشتند که در آن انسان‌ها نیازی به خوردن و آشامیدن نداشتند. در آئین مهری نیز نوآموزان را به مدت پنجاه روز در گرسنگی نگاه می‌داشتند تا نیروی مقاومت آنان را بیازمایند. (شیری، 1389: 3)

اساس سلوک در تصوف به قول سهروردی بر چهار قایمه است: اندک خوردن، اندک خفتن، اندک گفتن، و گوشه گرفتن از خلق. در چنین وضعیتی وقتی یک صوفی اندک اندک از مقدار غذای خود بکاهد می‌تواند تحمل گرسنگی را در خود افزایش دهد. (همان، 4)

در مرادالعارفین به نقل از شرح تصوف در اصل اسم صوفیه آمده است: که درویشان از برای آن گرسنگی اختیار کرده‌اند که هر حیوانی که سیر خورد و فربه شود، طاغی شود، خاصه آدمیزاد؛ قوله تعالی: "كُلَّا انَّ الْاِنْسَانَ لَيْطَعِي اَنْ رَاَهُ اِسْتَعْنٰی" همه فسادها و شهوت‌ها از وجه سیری خیزد؛ پس پیوسته نفس را گرسنه دارند تا به طاعت و خدمت منقاد باشند و فضولی دیگر یاد نیاید. (صوفی، 1387: 169) شقیق بلخی زهد را، که اولین منزل از منازل چهارگانه اهل صدق است، جوع معنا کرده و شیوه خوردن طعام متناسب با جوع را توضیح داده است. به اعتقاد وی گرسنگی مدخل زهد و شیوه عملی جای گرفتن معنویت زهد در دل سالک است. سالک را هیچ مجاهده بالاتر از گرسنگی نباشد و شکستن نفس به هیچ مجاهده چنان نباشد که به گرسنگی، حق تعالی نفس را بیافرید و پرسید: که "من کیستم؟" گفت: "تو بگو که من کیستم؟" صد سال وی را به سموم دوزخ بداشت، آنگاه پرسید که "من کیستم؟" گفت: "تو بگو که من کیستم؟" صد سال دیگر در زمهریر دوزخ بداشت؛ آنگاه گفت که من کیستم؟